

# نگرشی روان شناختی بر جنبه های پنهان ارزشیابی تحصیلی



ارزشیابی در آموزش و پرورش یکی از پیچیده ترین فرایندهای آموزشی محسوب می گردد که پرداختن به آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در این مقاله سعی شده است که خوانندگان محترم با دو ویژگی روان شناختی ارزشیابی تحصیلی آشنا شوند.

الف - اسنادهای ارزشیابی شونده در مورد نتیجه ارزشیابی : یعنی وقتی که نتایج ارزشیابی

سید عبدالرضا افضلی

پیشینه بحث :

اصطلاح ارزشیابی در معنای بسیار وسیع خود عبارت است از عملی که به وسیله آن درباره یک واقعه ، یک فرد یا یک شیء با توجه به یک یا چند معیار قضاوت می شود.

به صورت نمره درسی به دانش‌آموزان و دانشجویان اعلام می‌شود، فراگیران فعالانه می‌کوشند تا ریشه بازده‌های تحصیلی خود را از طریق اسنادها درک کنند.

ب - جنبه‌های تأثیرگذاری اطلاعات ذهنی ارزشیابی‌کننده بر نمره ارزشیابی شونده: یعنی آیا وقتی که معلم ورقه دانش‌آموزی را به منظور تصحیح به دست می‌گیرد، اطلاعات ذهنی وی درباره صاحب ورقه بر نمره ارزشیابی اثر می‌گذارد؟ آیا اساساً این اطلاعات می‌تواند مسیر اصلی ارزشیابی را منحرف کند؟ در این قسمت به پرسشهای مذکور پاسخ داده خواهد شد.

### اسنادها بعد از موفقیت و شکست

دانش‌آموزان و دانشجویان پس از شکست، عموماً بر اهمیت علل بیرونی<sup>۱</sup> (سخت بودن امتحان، عملکرد معلم، محیط آموزشی، محیط خانوادگی و کتاب) تأکید می‌ورزند و پس از موفقیت تمایل دارند که بیشتر بر آثار عوامل درونی<sup>۲</sup> (کوشش، انگیزه، هوش، فعالیت و دقت) تأکید کنند.

سه دیدگاه در این باره وجود دارد:

الف: بر طبق دیدگاه اول وقتی که دانش‌آموزی موفق است می‌تواند اعتماد و احساس ارزش شخصی خود را با اسناد دادن عملکرد خود به عوامل درونی افزایش دهد و بر عکس زمانی که با شکست مواجه می‌شود می‌تواند با انکار مسؤلیت، عملکرد خود را به عواملی از قبیل معلم، زندگی خانوادگی یا دشواری مطالب نسبت دهد و به این ترتیب از پیامدهای مخرب عزت نفس اجتناب کند.

ب: اگر دانشجویان و دانش‌آموزان انتظار موفقیت داشته باشند و نمره قبولی بیاورند و یا اگر انتظار شکست داشته باشند و نمره مردودی بیاورند؛ گرایش خواهند داشت که عملکرد خود را به عواملی پایدار و درونی اسناد بدهند. اما اگر عملکرد آنان مغایر با انتظارات آنها باشد، در آن صورت عملکرد خود را به عواملی ناپایدار مثل شانس و آزمون دشوار اسناد خواهند داد.

ج: از آنجا که عملکرد دانش‌آموزان و دانشجویان اغلب عملی و آشکار است، دانش‌آموزان و دانشجویان نمره‌های پایین خود را به عوامل بیرونی اسناد می‌دهند تا از شرمساری شکست تحصیلی اجتناب کنند و نمرات خوب را به تلاش یا استعداد خود اسناد می‌دهند تا از خود تصور شایستگی و قابلیت در ذهن دیگران ایجاد کنند.

### اسنادها و انتظارات:

تحقیقات انجام شده نشان داده است که اسنادهای دانش‌آموزان و دانشجویان به صورت منظم با انتظارات آنان درباره عملکرد آینده پیوند دارد. وقتی موفقیت به وسیله عواملی ایجاد می‌شود که دانشجویان می‌توانند آن عوامل را کنترل کنند (مثل کوشش و انگیزه)، در آن صورت آنها می‌توانند فرض کنند که نمرات خوب تکرار خواهد شد. اما اگر نمرات خوب به عوامل بیرونی غیرقابل کنترل (مثل آسان بودن درس و آسان بودن آزمون) نسبت داده شود، در آن صورت به این تردید دچار خواهند شد که آیا خواهند توانست سطح نمره کنونی خود را حفظ کنند یا نه؟ برعکس اگر دانش‌آموزان ناموفق معتقد باشند که می‌توانند



نظریه پردازان دریافته‌اند که برخی از واکنشهای عاطفی از قبیل خوشحالی، اعتماد به خود، افسردگی، ناامیدی، انزجار و آشفتگی وابسته به بازده کار هستند، یعنی این واکنشها صرفاً تحت تأثیر نمره امتحان قرار می‌گیرند. از سوی دیگر عواملی چون ترس، احساس گناه و شگفتی وابسته به اسناد می‌باشند.

اسناد دادن به توانایی و استعداد، پس از موفقیت؛ احساس قابلیت و غرور به وجود می‌آورد، اما همین اسناد پس از شکست؛ احساس ناشایستگی، تسلیم و ناخشنودی در پی دارد.

اسناد به کوشش و تلاش پس از موفقیت؛ احساس راحتی، رضایت خاطر و خشنودی و پس از شکست؛ احساس ترس و گناه به همراه دارد.

اسناد به تلاش دیگران در صورت موفقیت؛ احساس امتنان، تشکر و تهییج و در صورت

علتهای عملکرد ضعیف خود را کنترل کنند، در آن صورت این انتظار در آنان پیدا خواهد شد که در آینده بر این موانع غلبه کنند. اما اگر براین باور باشند که نمره آنها حاصل عوامل بیرونی غیر قابل کنترل است؛ در آن صورت بدبینانه نتیجه خواهند گرفت که باز هم در آینده نمره بد نصیب آنان خواهد شد.

#### اسنادها و واکنشهای عاطفی:

دانش آموزان پس از موفقیت یا شکست در امتحان، واکنشهای عاطفی متنوعی را نیز تجربه می‌کنند. آنان که شکست می‌خورند بدون توجه به علت عملکرد، احساس عدم خشنودی و رضایت و ناشایستگی می‌کنند. به عبارت دیگر دانش آموزانی که شکست می‌خورند دچار حالت عاطفی منفی می‌شوند و به عکس دانش آموزانی که موفق می‌شوند، حالت عاطفی مثبت پیدا می‌کنند.

شکست؛ احساس خشم را سبب می‌شود و اسناد به شانس بعد از موفقیت؛ احساس شگفتی و گناه و بعد از شکست؛ احساس شگفتی، پشیمانی و غمگینی به همراه دارد.

اسنادها و رفتار:

اسنادها مجموعه‌ای از رفتارهای تحصیلی از جمله عملکرد در امتحان، پشتکار در انجام تکالیف دشوار و حتی میزان مطالعه کردن را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

تحقیقات نشان داده است که وقتی دانشجویان و دانش‌آموزان نمره‌های کسب کرده خود را در نخستین امتحان یک درس به توانایی شخصی خود و آسان بودن آزمون نسبت دهند، نمره آنها در امتحان بعدی آن درس کمتر خواهد شد، زیرا آنها با فرض اینکه استعدادشان قوی و آزمون ساده است، به اندازه کافی برای آزمون بعدی مطالعه نخواهند کرد. اما دانشجویان و دانش‌آموزانی که عملکرد خود را در آزمون اول به تلاشهای خود در زمینه مطالعه اسناد می‌دهند، در آزمون بعد نمره بهتری به دست می‌آورند.

رفتار دانشجویان و دانش‌آموزان دختر و پسر بر اساس اسنادها نیز فرق می‌کند. بر طبق یافته‌های جدید، مردان بیشتر تمایل دارند در معرض بازخورد منفی قرار گیرند تا زنان. اما احتمال دارد این بازخورد را بیشتر به عواملی غیر از استعداد خود، مانند: نگرش معلمان یا فقدان تلاش کافی اسناد دهند.

برعکس مردان، بازخوردهای شکست برای زنان عمدتاً بر استعداد فردی متمرکز است. در نتیجه دختران بیش از پسران تمایل دارند که موفقیت خود را به عوامل بیرونی و

شکست خویش را به خود نسبت بدهند. در بعضی موارد پس از شکست، دختران در مقایسه با پسران، کاهش پشتکار، اختلال در عملکرد و انتظارات منفی بیشتری نشان می‌دهند. همچنین تحقیقات در مورد جست و جوی کمک بعد از شکست نشان می‌دهد که مردان در مقایسه با زنان احتمال بیشتری دارد که قبل از امتحان بعدی در جلسات تقویتی شرکت کنند.

### تأثیر عملکردهای قبلی دانش‌آموز بر رفتار ارزشیابی کننده

تحقیقات و آزمایشهایی که درباره این پدیده صورت گرفته نشان می‌دهند که ارزشیابها در مورد دانش‌آموزانی که می‌شناسند و دانش‌آموزانی که نمی‌شناسند، به طور متفاوت قضاوت می‌کنند.

وقتی که ارزشیاب از نمره قبلی دانش‌آموز اطلاعی در دست نداشته باشد، در آن صورت نمره‌ای که به ورقه می‌دهد یک نمره بالقوه و ناشناخته می‌ماند. اما زمانی که ارزشیاب درباره عملکردهای قبلی دانش‌آموز اطلاعاتی در اختیار می‌گیرد، سعی می‌کند بین اطلاعات قبلی و نمره بالقوه‌ای که به ورقه تعلق می‌گیرد، همسان سازی ایجاد کند. بدین معنی که فاصله نمره بالقوه و نمره قبلی را کاهش دهد. مثلاً وقتی که به ارزشیاب گفته می‌شود یا او می‌داند که نمره قبلی دانش‌آموز ۶ (شش) بوده است، مثل این است که به او بگویند نمره بالقوه او (نمره برگه) نزدیک به ۶ است. همچنین اگر گفته شود نمره قبلی دانش‌آموز ۱۵ (پانزده) بوده است، درست مثل این است که بگویند نمره

## تأثیر اطلاعاتی که به طبقه اجتماعی - اقتصادی دانش آموز مربوط می شود

اطلاعاتی که به طبقه اجتماعی دانش آموز مربوط می شود، یکی دیگر از عواملی است که ارزشیابی معلم را تحت تأثیر قرار می دهد.

در آزمایش هایی که توسط روان شناسان در مدارس مناطق اعیان نشین و مناطق کارگر نشین انجام گردیده، چنین مشخص شده است که معلمان در مورد نوع مدرسه دانش آموز حساس بوده اند و تمایل کلی در جهت اثر همسان سازی مورد انتظار پیش می رود. یعنی زمانی که اوراق به دانش آموزان محیط اعیان نشین نسبت داده شده اند، بیشتر از حد، و زمانی که به دانش آموزان محیط کارگر نشین نسبت داده شده اند، کمتر از حد ارزشیابی گردیده اند. تفاوت بین میانگین نمرات، هر چند از لحاظ قدر مطلق ناچیز است، اما از نظر آماری معنی دار می باشد. بنابراین محیط اجتماعی - اقتصادی دانش آموز بر ارزشیابی او تأثیر گذاشته است.

### تفسیر کلی و نتیجه گیری:

اسنادهایی که پیشرفت تحصیلی را سرعت می بخشند، اسناد دادن به عوامل قابل کنترل ناپایدار است. وقتی مربیان، دانش آموزان خود را قانع کنند که شکست آنها مربوط به عوامل درونی ناپایدار مثل تلاش و کوشش خود آنها می باشد، عملکرد آنها در امتحانات بعدی بهبود قابل توجهی پیدا می کند. مربیان باید در برابر واکنشهای اسنادی دانش آموزان، حساس باشند و پس از هر امتحان، اصلاح این واکنشها

بالمقوه او نزدیک به ۱۵ است. در واقع ارزشیابی دو منبع اطلاعاتی در دست دارد، که اگر این اطلاعات با یکدیگر تطابق نداشته باشند، ارزشیابی سعی می کند فاصله عدم تطابق را کاهش دهد.

## تأثیر اطلاعاتی که به موقعیت تحصیلی<sup>۱</sup> دانش آموزان مربوط می شود

ارزشیابیها براساس موقعیت تحصیلی دانش آموزان اوراق آنان را به طور متفاوت مورد قضاوت قرار می دهند. به عبارت دیگر، زمانی که ارزشیابی یک استنباط کلی در مورد یک کلاس قوی دارد، هنگام تصحیح، نمره بیشتری به اوراق اختصاص می دهد و برعکس زمانی که استنباط کلی او به یک کلاس ضعیف بر می گردد، نمره کمتری به اوراق اختصاص می دهد. تحقیقات نشان می دهد که وقتی اوراق به دانش آموزان قوی نسبت داده شده است، میانگین نمرات آنان ۱۶ - ۱۱ می باشد و زمانی که اوراق به دانش آموزان کلاس ضعیف نسبت داده شده است، با میانگین ۹/۶۵ نمره گذاری گردیده اند. به عبارت دیگر میانگین های اوراق معین در نمونه مورد نظر تا اندازه بیش از ۱/۵ نمره باهم اختلاف دارند. این اختلاف هر چند ناچیز است، ولی از نظر آماری معنی دار است. در ضمن باید یاد آور شد که این اوراق از نوع اوراق متوسط بوده اند. این تحقیقات نشان می دهد که دانش آموزان تنها براساس آنچه انجام داده اند، مورد قضاوت واقع نشده اند، بلکه براساس موقعیت تحصیلی خود مورد ارزشیابی قرار گرفته اند.

کاهش فاصله بین نمرات بالقوه و رقه (نمره‌ای که در صورت فقدان اطلاعات اولیه داده می‌شود) و سطح تحصیلی صاحب رقه (که از طریق اطلاعات اولیه القاء می‌شود) تعریف کرد.

ناهماهنگی شناختی یک حالت رنج‌آور است و آزمایش شونده‌ای که دستخوش ناهماهنگی می‌شود سعی می‌کند تا از موقعیتها بیاطلاعاتی که این ناهماهنگی را افزایش می‌دهد، اجتناب ورزد. بدین ترتیب ارزشیاب نیز سعی می‌کند تا از اطلاعاتی که با انتظار او در هنگام تصحیح رقه تضاد پیدا خواهد کرد و او را در حالت رنج‌آور ناهماهنگی قرار خواهد داد، دوری جوید.

بسیار ضروری است. اگر معلم شاگردان را تشویق کند که شکست خود را به عواملی ربط بدهند که می‌توان آنها را کنترل کرد، در آن صورت ممکن است از پیامدهای زبان آور شکست اجتناب کنند. از سوی دیگر با تأکید بر اهمیت عوامل درونی به عنوان عوامل علی موقفیت، معلمان می‌توانند موقفیت مداوم شاگردان را تضمین کنند.

دخالتهای اطلاعات ذهنی ارزشیاب درباره موقفیت تحصیلی و منشاء اجتماعی - اقتصادی دانش‌آموزان، در روان‌شناسی تحت عنوان همسان‌سازی و ناهماهنگی شناختی قابل تفسیر است. همسان‌سازی یعنی اینکه ارزشیاب بهترین نمره‌ها را زمانی می‌دهد که اوراق به عنوان دانش‌آموزان قوی معرفی شده باشد. همسان‌سازی را می‌توان به صورت

#### منابع:

رفتار تحصیلی دانش‌آموز را تحت تأثیر قرار می‌دهد اسناد درونی گفته می‌شود. مانند: کوشش، انگیزه، هوش، فعالیت، دقت و استمرار در مطالعه و غیره.

۳ - اسناد بیرونی: در فرایند ارزشیابی تحصیلی به عواملی که جنبه بیرونی دارند و رفتار تحصیلی دانش‌آموز را تحت تأثیر قرار می‌دهند و کمتر در کنترل فرد می‌باشند، اسناد بیرونی گفته می‌شود مانند: سخت بودن امتحان، آسان بودن آزمون، عملکرد معلم، محیط آموزشی، محیط خانوادگی، کتاب و غیره.

۴ - موقفیت تحصیلی یعنی اینکه دانش‌آموزان به کدامیک از گروه‌های قوی، متوسط و ضعیف تعلق دارند.

- ۱ - پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، انجمن ایرانی تعلیم و تربیت، جلد ۱ و ۲
- ۲ - روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه دکتر یوسف کریمی، انتشارات نشر ویرایش
- ۳ - روان‌شناسی ارزشیابی تحصیلی، تألیف ژرژ نوازه و ژان پل کارونی، ترجمه دکتر حمزه گنجی، انتشارات اطلاعات

#### زیرنویسها:

- ۱ - اسناد فرایندی است که افراد به کار می‌برند تا رویدادها (رفتارها) را به شرایط زیربنایی آنها پیوند دهند.
- ۲ - اسناد درونی: در فرایند ارزشیابی تحصیلی به عواملی که از درون فرد برخاسته و